

## «آغاز» و معنی ناشناخته آن در شاهنامه و متون دیگر

مینا سلیمی (پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

**چکیده:** مقاله حاضر واژه آغاز را با معنی ناشناخته آن در بیتی از شاهنامه فردوسی بررسی می‌کند. آغاز احتمالاً گونه دیگر آغار از مصدر آغاریدن/ آغشتن «تر کردن» است. این واژه در متون فارسی دیگری نیز به کاررفته است که در این تحقیق شواهدی از آن ذکر می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** آغاز، آغار، تر کردن، شاهنامه

در شاهنامه فردوسی، در بخش «شاپور ذوالاکتاف» و «گفتار اندر بند کردن قیصر شاپور را» آمده است که به دستور قیصر روم شاه ایران، شاپور، را دستگیر می‌کنند و دستش را می‌بندند و سپس او را در چرم خر می‌دوزند و در خانه‌ای تاریک و تنگ زندانی می‌کنند. کنیزکی که نژاد ایرانی دارد مأمور نان و آب دادن به شاپور می‌شود و از سر دلسوزی و هم‌نژادی به یاری‌اش می‌شتابد. شاپور از او می‌خواهد تا هنگام آوردن غذا پنهانی مقداری شیر گرم نیز با خود بیاورد و چرم خر را با آن شیر تر کند:

به شیر اندر آغار این چرم خر      که این چرم گردد به گیتی سمر

(فردوسی، شاهنامه (چاپ خالقی مطلق و امیدسالار): ۳۰۶/۶)

سرانجام پس از دو هفته چرم خر به سبب آغشته شدن به شیر گرم نرم می‌شود و شاپور از بند بیرون می‌آید.

ضبط آغاز در بیت مذکور در شاهنامه چاپ خالقی مطلق بنا بر نسخه‌های قاهره و لنینگراد برگزیده شده است، در حالی که در سایر نسخ (یازده نسخه) این واژه با حرف «ز» یعنی به صورت آغاز آمده است؛ این چنین: ل (نیز ق ۲): آغازم؛ س (نیز آ): آغاز؛ ک، س ۲ (نیز پ، ب): آغازی؛ (لی، ل ۳، ل ۲): آغازم).

خالقی مطلق در یادداشت‌های شاهنامه (۳، ۲۰۰)، در توضیح این بیت، به صورت آغاز که در اکثر نسخه‌ها آمده، اشاره‌ای نکرده و نوشته است:

نگارنده در نامه هفت صفحه‌ای خود به آقای امیدسالار، مورخ ۱۹ دسامبر ۲۰۰۲، درباره این بیت نوشته‌ام «اگر دست شاپور آزاد بود، خود می‌توانست خود را از پوست خر نجات دهد. بنابراین باید کنیزک این کار را کرده باشد و در این صورت آغاری درست است». و آقای امیدسالار، در نامه مورخ ۱۴ ژانویه ۲۰۰۳، در پاسخ بنده نوشته‌اند: «هم متن و هم حواشی به صلاحدید شما تصحیح شد، به‌جز اینکه چون ضبط س، ق، ل، ن، آ: آغاز/ آغار بود بنده آغاری را کنار گذاشتم». بنابراین آقای امیدسالار نخست آغارم نوشته بودند و بنده آغاری را پیشنهاد کرده بودم و ایشان چنان‌که در بیت ۲۱۶ آمده آغار را برگزیده‌اند. البته آغار نادرست نیست، ولی چون مضمون این مصراع دنباله بیت ۲۱۵ است و در آنجا آوری و پوشی آمده، در اینجا آغاری محتمل‌تر است (۱۳۸۹: ۲۰۰/۳).

کزازی در نامه باستان (۱۸۰/۷) این بیت را به صورت

به شیر اندر، آغاری این چرم خر که این چرم گردد، به گیتی سمر

آورده و بدون اشاره به ضبط آغاز نوشته است: آغار از مصدر آغاریدن و به معنی خیساندن است (همان: ۶۴۸).

خالقی مطلق و امیدسالار نیز، با وجود بسامد بیشتر واژه مذکور با حرف «ز» که در یازده نسخه آمده است، بر سر آغارم، آغار یا آغاری بودن واژه اختلاف نظر و مباحثه داشته‌اند و به نظر می‌رسد که صورت‌های مضبوط در یازده نسخه را تصحیف دانسته و به ضبط دو نسخه دیگر اعتماد کرده‌اند. ژول مول نیز آغاری آورده است (فردوسی، شاهنامه (چاپ ژول مول): ۱۵۷۸/۵).

شایان توجه آن است که، علاوه بر یازده نسخه مذکور، در شاهنامه معتبر نسخه سعدلو نیز گونه آغاز آمده است:

به شیر اندر آغاز این چرم خر که این چرم گردد به گیتی سمر  
(فردوسی، شاهنامه (چاپ عکسی): ۶۸۶)

معنی آغار در فرهنگ‌نامه‌های کهن چنین است:

«آغار فرو دادن نم بود به هرچه، و آن چیز که آغار خورده بود گویند آغاشته شد» (اسدی طوسی، لغت فرس: ۱۰۴).

«آغار چیزی در جای سرشتن باشد، و فروبردن آن نم به زمین و هرچه باشد و آن چیز که آغار خورده باشد گویند آغاشته شد» (حافظ اوبهی هروی، فرهنگ تحفه/احباب: ۳۶).

«آغار دو معنی دارد. اول فروشدن نم باشد. دوم چیزی باشد به هم پیوسته و به هم گرفته از آب یا خون» (وفایی ۱۳۷۴: ۱۵).

«آغار زمینی که درو آب رفته — و نیک سرشته بود — و زمین نمناک — و سرشت، و اغار مقصور نیز آید» (قوام فاروقی، شرفنامه منیری: ۴۹/۱).

آغار بن مضارع مصدر آغاریدن/ آغاشتن به معنی «تر کردن، خیساندن» است و در متون کهن شواهد متعددی دارد، از جمله:

رگو یک پاره اندر سرکه آغار رگو را هر زمان زی درد بسپار  
(دانشنامه میسری: ۱۸۱)

«نان تنور خوش اندر آب باید آغاشتن و صافی کردن و بدادن» (نسوی، بازنامه: ۱۳۵). نکته درخور توجه آن است که آغاز در بیت شاهنامه، که در اکثر نسخه‌ها نیز آمده، کاملاً صحیح و گونه‌ای از آغار در معنی یادشده است. کاربرد گونه آغاز نه تنها در شاهنامه بلکه در متون کهن دیگر نیز سابقه دارد و نشان‌دهنده اصالت آن است. اغلب مصححان این صورت را به‌گمان غلط بودن به آغار تصحیح کرده و یا به حاشیه برده‌اند. آغاز بنا بر گفته شفاهی دکتر علی‌اشرف صادقی مبدل آوایی آغار است. این تبدیل در بعضی کلمات دیگر مانند رم ← زم نیز دیده می‌شود.

اکثر فرهنگ‌نویسان نیز آغاز را در معنی مذکور تصحیف آغاز دانسته‌اند و آن را در فرهنگ‌ها ضبط نکرده‌اند، اما در فرهنگ *مدارالافاضل* (۳۲/۱) لغت آغاز آمده و به آغاز در معنی «زمینی که درو نم و آب رفته باشد و ...» رجوع داده شده است. ظاهراً در فرهنگ *بحرالفضایل* (قرن نهم هجری) نیز گونه آغاز آمده است، زیرا مصحح فرهنگ *دستورالافاضل* (نیمه اول قرن هشتم هجری) ذیل مدخل آغاز، در حاشیه آورده است: «بحر [یعنی *بحرالفضایل*] = آغاز زمینی که آب و نم فرو شده باشد» (دهلوی: ۷۵، پانوش ۹). در زیر شواهدی از متون کهن برای گونه آغازیدن به معنی «تر کردن، خیساندن» ارائه می‌شود<sup>۱</sup>:

«باز را گرسنه کنند و اسکفه گوشت در آن روغن آغازند و بدهند» (نسوی، *بازنامه*: ۱۵۰).  
«خون به جامه رسد ... اگر در او کهن شده باشد خون کبوتریچه تازه یا خون مرغ بر او کنند و بشویند و چون یک شب در آب آغازند دیگر روز به صابون بشویند پاک شود» (شهمردان، *نزهت‌نامه علائی*: ۵۳۴).  
«آب گندنا و آب گشنیز هردو بگیر و بپالای ... و پاره‌ای رکوی سبز در این آب‌ها آغاز تا نیک‌تر شود ...» (همان: ۵۳۰).  
«فرازگیرد باقلی یک درم سنگ و آرد جو یک درم سنگ ... و آرد قرمس دو درم، و این همه خرد کند و به شیر گوسفند آغازد» (*بحرالفوائد*: ۲۹۵).  
«بگیرند سماق چندان که خواهند و اندر آب صافی آغازند و ترشی او بستانند و بپالیند صافی و اندر آفتاب می‌نهند تا سطر شود و شاف‌ها کنند و به کار دارند» (جرجانی، *ذخیره خوارزمشاهی*: ۳۵۳).  
در *ورزنامه* (نسخه خطی موجود در مرکز احیای میراث اسلامی در قم، کتابت قرن هشتم) صورت‌های صرفی مضارع این فعل پرسامد است:  
«... که آن گیاه را بگیرند و بکوبند و در آب آغازند یک شبان‌روز ...» (جزء سوم، باب بیست‌وسوم).

(۱) نگارنده در این گزارش همه شواهد به دست آمده را ذکر نکرده است. نیز ممکن است در برخی از متون تصحیح‌شده، صورت آغاز به جای آغاز آمده باشد و مصححان اشاره‌ای به آن نکرده باشند و باید به اصل نسخه مراجعه کرد. بیشتر شواهد این تحقیق از پیکره گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.

«و اگر مویز را یک شبان‌روز در آب آغازند ...» (جزء سوم، باب بیست‌وهشتم).  
در *بازنامه‌ای* که از قرن دهم است و نسخه عکسی آن در کتابخانه مرکز  
دائرةالمعارف بزرگ اسلامی به شماره ۱۹۲۲ محفوظ است، صورت آغاز چندین بار  
آمده، از جمله:  
«علاجش آن است که گوشت بچۀ مرغ و گوشت گنجشک در روغن بادام تلخ و  
شیرین آغازد و بدهد ...».

شاهدی از قرن سیزدهم نیز در دست است:  
«سپند را به سرکه تیز بیاغازند و زودکاری را کنند تا طعم وی از حال بگردد، بعد از  
آن وی را بکارند، چون برآید ترخون باشد» (نوری، *مفاتیح‌الارزاق*: ۵۵۰/۱).  
در بیت مذکور از *شاهنامه*، از میان سه صورت آغازی، آغازم و آغاز که در یازده  
نسخه آمده‌اند، آغازی یعنی ضبط نسخ ک، س ۲، پ و ب صحیح‌تر است. استدلال  
خالقی مطلق مبنی بر آنکه شاپور خود نمی‌توانسته است کننده باشد، یعنی فعل جمله  
نباید اول شخص صرف شده باشد، درست به نظر می‌رسد. از میان دو صورت آغاز و  
آغازی نیز با توجه به بافت ابیات احتمالاً آغازی درست‌تر از آغاز است. بنابراین صورت  
صحیح این بیت باید چنین باشد:

به شیر اندر آغازی این چرم خمر که این چرم گردد به گیتی سمر

## منابع

- اسدی طوسی، ابومنصور احمد بن علی، *لغت فرس*، تصحیح فتح‌الله مجتبیایی و علی‌اشرف صادقی، خورازمی،  
تهران، ۱۳۶۵.  
*بحرالنفوس*، تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، ۱۳۴۵.  
تبریزی، محمدحسین، *برهان قاطع*، تصحیح محمد معین، ج ۶، ج ۱، تهران، ۱۳۷۶.  
جرجانی، سید اسماعیل، *ذخیره خوارزمشاهی*، به کوشش سعیدی جرجانی، تهران، ۱۳۵۵.  
حافظ اوبهی هروی، سلطانعلی، *فرهنگ تحفة الاحباب*، تصحیح فریدون تقی‌زاده طوسی و نصرت‌الزمان ریاضی  
هروی، مشهد، ۱۳۶۵.  
خالقی مطلق، جلال، محمود امیدسالار و ابوالفضل خطیبی، ۱۳۸۹، *یادداشت‌های شاهنامه*، ج ۳، تهران.  
دهلوی، حاجب‌خیرات، *دستورالافاضل*، به کوشش نذیراحمد، تهران، ۱۳۵۲.  
شهمردان بن ابی‌الخیر، نزهت‌نامه‌ی علایی، تصحیح فرهنگ جهانپور، تهران، ۱۳۶۲.

- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه فردوسی، تصحیح ژول مول، ج ۶، ج ۵، تهران، ۱۳۷۸.
- \_\_\_\_، شاهنامه فردوسی همراه با خمسه نظامی (چاپ عکسی از روی نسخه متعلق به مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، مربوط به سده ۸ هجری قمری)، مقدمه از فتح‌الله مجتبابی، تهران، ۱۳۷۹.
- \_\_\_\_، شاهنامه فردوسی، تصحیح جلال خالقی مطلق و محمود امیدسالار، ج ۶، کالیفرنیا، ۱۳۸۴.
- \_\_\_\_، نامه باستان، ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی، تصحیح میرجلال‌الدین کزازی، ج ۷، تهران، ۱۳۸۵.
- قوام فاروقی، ابراهیم، شرفنامه منیری یا فرهنگ ابراهیمی، تصحیح حکیمه دبیران، ج ۱، تهران، ۱۳۸۵.
- مدارالافاضل، به کوشش محمدباقر، ج ۱، لاهور، ۱۳۳۷.
- میسری، دانشنامه میسری، تصحیح برات زنجانی، تهران، ۱۳۶۶.
- نسوی، ابوالحسن، بازنامه، تصحیح علی غروی، تهران، ۱۳۵۴.
- نوری، محمدیوسف، مفاتیح‌الارزاق یا کلید در گنج‌های کهن، تصحیح هوشنگ ساعدلو با همکاری مهدی قمی‌نژاد، ج ۱، تهران، ۱۳۸۱.
- وفایی، حسین، ۱۳۷۴، فرهنگ فارسی، بر اساس نسخه‌های خطی موجود در چین، تصحیح تن‌هوی جو، تهران.

